

The Escalation of Tension in Nagorno-Karabakh and the Challenge of Iran's Regional Interests: 2020-2023

Hosein Pourahmadi Meibodi

Professor, Department of Global and Regional Politics, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran

Mahdi Feizollahi¹

M.A. in Regional Studies, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran

(Date received: 9 January 2024 - Date approved: 12 March 2024)

Abstract

Introduction: The international system in transition and the uncertainty in it, has caused the dynamism of most regions in the world. The South Caucasus region is not exempt from this situation. The 2020 Nagorno-Karabakh war and its subsequent developments, especially the 2023 Karabakh war, marked a path of no return for the South Caucasus region, so these developments had a significant impact on the actors of the South Caucasus.

Research question: What effect did the second and third Karabakh war in the South Caucasus region between Armenia and Azerbaijan have on the regional interests of the Islamic Republic of Iran?

Research Hypothesis: It is hypothesized that Nagorno-Karabakh war in 2020 and 2023 respectively, has increased the dynamics of competition, threat and escalation of tension against Iran, while there are not many opportunities for it.

Methodology: In this article, a comparative research approach has been used, which is realistic using a study model and the geopolitical approach in the framework of regional studies. Using geopolitical components such as politics, power, geography, economy (geoeconomics), culture (geoculture), geopolitical relations and balance of power. Data analysis is done in a descriptive-analytical

1. E-mail: M.Feizollahi@alumni.ac.ir (Corresponding Author)

way. The method of collecting information in this research is done by the library method.

Results and discussion: Since the early 2000s, Russia's policy towards the Nagorno-Karabakh crisis has changed. Therefore, Russia's attitude toward the South Caucasus has changed from a sphere of exclusive Russian influence to a space in which it must both cooperate and compete with other regional powers. Moscow prefers to cooperate with Iran and mostly Turkey to respond to the growing challenges. In this situation and due to the fact that Azerbaijan is close to Russia and Armenia is far from Russia, the second Karabakh war started. But the third Karabakh war took place in a situation where Russia's power vacuum was evident in the South Caucasus after Moscow's involvement in the Ukraine war. The Karabakh war of 2020 and 2023 in the national dimension between Azerbaijan and Armenia caused the position of the victorious and defeated actors of the first Karabakh war to be reversed. In the regional dimension, new geopolitical relations and balance of power emerged in the South Caucasus.

Conclusion: The findings of the research proved the hypothesis raised in the article. The 2020 and 2023 Karabakh war once again showed the geopolitical dynamics of the South Caucasus. These wars have significantly changed the geopolitical relations of regional players and led to the formation of a new balance of power in the region. Azerbaijan has strengthened and Armenia has become very weak. However, with the cease-fire of the Second Karabakh War, Russia was able to marginalize the western axis, which further weakened the role of the West, the United States, the European Union and especially the Organization for Security and Cooperation in Europe (Minsk Group). But by entering the war with Ukraine and creating a power vacuum in the South Caucasus region, Russia saw its power in this region challenged by Turkey. In this way, the second and third Karabakh war marked Turkey's return to the region and pushed Iran to the sidelines of regional developments.

Therefore, the 2020 and 2023 Karabakh war destroyed the fragile state of neither war nor peace that Iran was in favor of maintaining in the South Caucasus. In these wars, Iran could not play a role in regional

developments to expand its influence and presence; Therefore, it led to the escalation of tension with the Republic of Azerbaijan, the intensification of competition with Turkey, and the seriousness of the threat of Israel's presence along Iran's borders. In the new balance of power that has been formed in the South Caucasus region, the Islamic Republic of Iran has a low role and position in the South Caucasus. It seems that Iran has been marginalized by Russia on the one hand, on the other hand, due to the role of western sanctions in preventing Iran's action in the region; Iran has not been able to play a serious role and pursue its historical-civilizational interests in the South Caucasus. Therefore, the Islamic Republic of Iran has tried to maintain its territorial integrity, prevent geopolitical changes in the region and its geo-economic interests in the South Caucasus. It has also tried not to get involved in ethnic movements and internal instability based on geocultural provocations.

Keywords: Geopolitics, Balance of Power, War, South Caucasus, Karabakh, Islamic Republic of Iran.

تشدید تنش در قره‌باغ و چالش منافع منطقه‌ای ایران در

سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳

حسین پوراحمدی میدی

استاد، گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

مهدی فیض‌اللهی^۱

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲)

چکیده

جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و تحولاتی بعد از آن به‌ویژه خروج آرامنه از قره‌باغ، مسیر بدون بازگشتی را برای منطقه قفقاز جنوبی ترسیم کرد. به‌طوری که این تحولات تأثیر چشمگیری بر بازیگران جنوب قفقاز بر جای گذاشت. پرسش اصلی نوشتار این است که جنگ دوم و سوم قره‌باغ چگونه بر منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که براساس جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ پویایی رقابت، تهدید و افزایش تنش بر ایران افزایش یافته است؛ درحالی که پیدایی فرصت‌های احتمالی برای ایران چندان آشکار نیست. در این نوشتار از روش پژوهش قیاسی استفاده می‌کنیم که با کاربرد مدل تحلیلی و رویکرد ژئوپلیتیک در چارچوب مطالعات منطقه‌ای و در زیر واقع‌گرایی است. تحلیل داده‌ها به‌صورت توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد موازنه قدرت جدید و روابط ژئوپلیتیکی شکل گرفته در منطقه قفقاز جنوبی با به‌چالش کشیده شدن قدرت روسیه توسط محور جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل، به‌حاشیه‌رفتن محور غرب، پررنگ شدن نقش ترکیه و کم‌رنگ شدن نقش ایران تغییر کرده است. همچنین ایران در دوره‌هایی از زمان پس از این جنگ‌ها از نظر ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی آن، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، با تشدید رقابت و تهدید با ترکیه و اسرائیل و همچنین افزایش تنش با جمهوری آذربایجان روبه‌رو شد که در قالب راه‌گذر احتمالی زنگزور، طرح یک کمربند و یک راه، راه‌گذر شمال‌جنوب، پررنگ شدن تهدیدها بر مبنای پان‌ترک‌گرایی/پان‌آذری‌گرایی و حضور اسرائیل در مناطق آزادشده قره‌باغ، نزدیک مرزهای ایران جریان دارد.

واژگان اصلی: ژئوپلیتیک، موازنه قدرت، قفقاز جنوبی، جنگ قره‌باغ، جمهوری اسلامی ایران.

۱. نویسنده مسئول: M.Feizollahi@alumni.ac.ir

مقدمه

نظام در حال گذار بین‌المللی و وضعیت ابهام در آن، سبب پویایی بیشتر مناطق در سطح جهان شده است. منطقه قفقاز جنوبی نیز در میان آسیای مرکزی و دریای خزر، غرب آسیا (خاورمیانه)، شرق اروپا، قفقاز شمالی و روسیه از این وضعیت جدا نبوده است. براساس نظریه هارتلند مکنندر، قفقاز جنوبی در منطقه موسوم به قلب زمین قرار گرفته است. علاوه بر این به‌عنوان یک نقطه اساسی در بیضی انرژی حضور دارد. قفقاز جنوبی از نظر ژئوپلیتیکی، پل طبیعی در میان اروپا و آسیا است که همواره از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار بوده است. جنوب قفقاز به‌عنوان منطقه‌ای حیاتی از نظر انرژی نسبت به غرب آسیا می‌تواند حالت جایگزین نیز داشته باشد. در حال حاضر این منطقه به مکانی راهبردی تبدیل شده است که منافع قدرت‌های مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی در آن تلاقی می‌کند. مهم‌تر اینکه جمهوری آذربایجان به‌دلیل برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک تعیین‌کننده در حوزه انرژی و عوامل اقتصادی مانند منابع و خطوط لوله‌های گاز و نفت و داشتن ظرفیت به‌عنوان عامل پیونددهنده زمینی ترکیه و اروپا (ناتو) به آسیای مرکزی و ارتباط‌دهنده شمال و جنوب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (Avdaliani, 2022: 82-84).

بحران قره‌باغ در پی اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان منجر به جنگ اول قره‌باغ شد که مدت شش سال (۱۹۸۸-۱۹۹۴) طول کشید و بخشی از سرزمین‌های جمهوری آذربایجان به اشغال ارمنه درآمد. جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی خود با حمایت‌های گسترده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون ترکیه و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ وارد جنگ با ارمنستان شد؛ در جنگی ۴۴ روزه که به جنگ دوم قره‌باغ معروف است و براساس توافق‌نامه سه‌جانبه روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان موفق به آزادسازی بیشتر مناطق اشغالی خود شد. اما درگیری قره‌باغ با جنگ دوم پایان نیافت، زیرا در سال ۲۰۲۳ بار دیگر جنگ یک روزه بر سر منطقه قره‌باغ در گرفت که به‌عنوان جنگ سوم قره‌باغ نامیده شد. پایان جنگ دوم و به‌ویژه سوم قره‌باغ، مسیر بدون بازگشتی برای جنوب قفقاز ترسیم کرد و نشان داد تغییرهای اساسی در معادله‌های منطقه قفقاز جنوبی رخ داده است. تحول‌ها بعد از جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ بر منافع ایران به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین قدرت‌های قفقاز جنوبی تأثیرهای فراوانی گذاشته است. مطالبی که بیان شد پرسش‌هایی به وجود می‌آورد در مورد اینکه سرشت جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ چه بوده است؟ جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ چه تحول‌های منطقه‌ای را در پی داشته است؟ این تحول‌ها چگونه منافع بازیگران مداخله‌گر در منطقه را زیر تأثیر قرار داده است؟

پرسش اصلی این نوشتار این است که جنگ دوم و سوم قره‌باغ چگونه بر منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که براساس جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳، پویایی رقابت و تهدید و افزایش تنش بر ایران

افزایش می‌یابد، در حالی که پیدایی فرصت‌های احتمالی برای آن چندان آشکار نیست. در این نوشتار از رویکرد پژوهشی قیاسی استفاده می‌کنیم که با کاربرد مدل تحلیلی ژئوپلیتیک در چارچوب مطالعات منطقه‌ای در مکتب واقع‌گرایی انجام می‌شود. در این زمینه نمودار تحلیلی براساس مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی ترسیم شده است. همچنین تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی تحلیلی بوده و داده‌های این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

در مورد جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و پیامدهای آن بر قفقاز جنوبی مطالب زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها هم متناقض هستند، اما در مورد جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ و پیامدهای آن مطالبی چاپ نشده است. برخی از پژوهش‌های مهمی که در این حوزه و نسبت به تأثیر این جنگ‌ها بر منطقه قفقاز جنوبی منتشر شده‌اند در ادامه می‌آوریم. یاوز و گانتز (۲۰۲۲) در مقاله «مناقشه قره‌باغ ارمنستان و جمهوری آذربایجان: علل و پیامدها» نتیجه می‌گیرند که این جنگ سبب افزایش نقش روسیه و همچنین ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی شده است. هیراپتیان (۲۰۲۲) در مقاله «جنگ دوم قره‌باغ و تغییر وضعیت موجود منطقه» به افزایش نفوذ و جایگاه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی و به‌ویژه جمهوری آذربایجان به‌عنوان سکوی پرتاب آن از نظر ژئوپلیتیکی و اقتصادی و همچنین چگونگی تغییر وضعیت این منطقه به‌سود ترکیه اشاره می‌کند. یاوز و گانتز (۲۰۲۲) در کتاب «مناقشه قره‌باغ، دیدگاه‌های تاریخی و سیاسی» علاوه بر نقش بازیگران منطقه‌ای، بازیگران فرامنطقه‌ای را نیز بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسند که نفوذ شورهای چون روسیه و ترکیه در قفقاز جنوبی افزایش یافته است. آشور (۲۰۲۱) در مقاله «مناقشه قره‌باغ کوهستانی: یک تحلیل ژئوپلیتیکی»، هدف مقاله را تحلیل علل جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ با بررسی موشکافانه تاریخی و تحول‌های حاضر با تمرکز ویژه بر جنگ سال ۲۰۲۰ قره‌باغ و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن قرار می‌دهند. مالیک (۲۰۲۱) در کتاب «مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر قره‌باغ کوهستانی: پیامدهای ژئوپلیتیکی» ترکیه را متعهد دفاع از منافع جمهوری آذربایجان می‌داند و نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی را با توجه به حضور نظامی در منطقه قره‌باغ بعد از جنگ دوم قره‌باغ افزایشی در نظر می‌گیرد.

برخی دیگر از مقاله‌ها وضعیت منافع ایران بعد از جنگ دوم قره‌باغ را بررسی کرده‌اند. رشیدی (۲۰۲۳) در مقاله «راه‌گذر میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی» اعتقاد دارد ایجاد راه‌گذر احتمالی زنگزور می‌تواند توازن قدرت در منطقه قفقاز جنوبی را به زیان ایران تغییر دهد. فیض‌اللهی و پوراحمدی میدی (۲۰۲۳) در مقاله «بازی با حاصل جمع صفر در قفقاز جنوبی (با تأکید بر جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰)» تاریخ پیچیده قفقاز جنوبی را با توجه به ژئوپلیتیک بررسی کرده و نشان می‌دهند جنگ دوم قره‌باغ یادآور مشخص کردن حدود قفقاز جنوبی در میان استالین و ترکیه کمالی و درحاشیه‌ماندن ایران است؛ همچنین درگیری‌های قومی و سرزمینی و زمینه‌ها و هدف‌های اقتصادی بر اصل تاریخی حاکم بر این منطقه و بازی با

حاصل جمع جبری صفر تأکید می‌کند. محمود اوغلی، ابراهیمی و فتاحی اردکانی (۲۰۲۲) در مقاله «جنگ دوم قره‌باغ: علل، زمینه‌ها و پیامدها»، نتیجه می‌گیرند که تغییر توازن قدرت بعد از جنگ دوم قره‌باغ به سود جمهوری آذربایجان بوده و این موضوع علیه منافع ایران تمام شده است. نجفی سیار و ابراهیمی (۲۰۲۱) در مقاله «آثار و پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس بحران سال ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی ایران» تأکید می‌کنند که راه‌گذر احتمالی زنگزور علیه منافع ایران خواهد بود. اخباری (۲۰۲۰) در مقاله «پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر روابط ایران» بر این نکته تأکید می‌کند که بعد از جنگ دوم قره‌باغ تهدیدهای ژئوپلیتیکی علیه منافع ایران افزایش یافته است.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان شکاف دانشی را این‌گونه در نظر گرفت: بر جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ و پیامدهای آن پرداخته نشده است، بیشتر منابع بر پیامدهای جنگ سال ۲۰۲۰ بر منافع ملی ایران متمرکز بوده‌اند و به تأثیر بر منافع منطقه‌ای ایران اشاره‌ای نشده است، در شکل‌گیری موازنه قدرت جدید در جنوب قفقاز، نتایج مختلف و متناقضی وجود دارد، روابط ژئوپلیتیکی شکل گرفته بررسی نشده است و در آخر بر اساس رویکرد ژئوپلیتیک با مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی آن در چارچوب مطالعات منطقه‌ای ارزیابی نشده است.

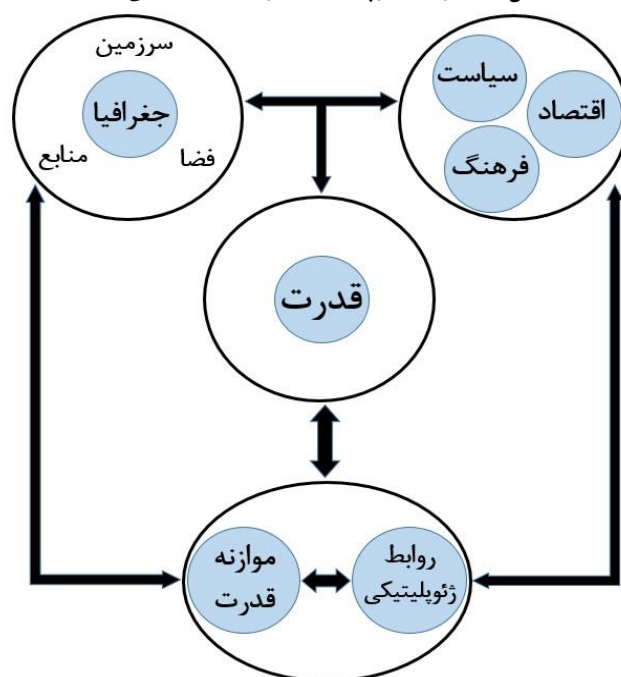
رویکرد نظری

در مطالعات منطقه‌ای از گذشته بحث‌های زیادی بر سر تعریف و مفهوم منطقه وجود داشته است؛ «مناطق را می‌توان به شکل عینی برحسب همسایگی جغرافیایی، تعامل سیاسی اقتصادی، ویژگی‌های کنشگران و ارزش‌ها و تجربه‌های مشترک توصیف کرد» (Ahmadi Lafuraki and Others, 2018: 12). چند دیدگاه اساسی در مورد شکل‌گیری مناطق وجود دارد که دیدگاه ژئوپلیتیک یکی از آن‌ها است. دیدگاه ژئوپلیتیک در مورد رابطه میان سیاست و جغرافیا مطالعه می‌کند. از آنجا که این دیدگاه ریشه در واقع‌گرایی دارد، قدرت تعریف‌کننده این رابطه است که در آن هدف بازیگران به دست آوردن، حفظ و افزایش قدرت است (Ghasemi, 2016: 303-305). حافظ‌نیا ژئوپلیتیک را «مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست» می‌داند (Hafeznia, 2016: 84-85).

ژئوآکونومی بخشی از ژئوپلیتیک به حساب می‌آید؛ عنصر اقتصاد در ژئوآکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می‌شود (Ezzati and Others, 2006: 29). از دیدگاه سانجی بارو، ژئوآکونومیک از دو دیدگاه قابل ارزیابی و بررسی است: یکی پیامدهای ژئوپلیتیکی یک پدیده اقتصادی و دیگری پیامدهای اقتصادی روندهای ژئوپلیتیکی (Baru, 2012). استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدام‌های اقتصادی سایر کشورها بر هدف‌های ژئوپلیتیکی یک کشور، ژئوآکونومیک نام دارد (Blackwill and Others, 2016: 20). ژئوکالچر بعد فرهنگی ژئوپلیتیک است (Hafeznia, 2016: 178). فرهنگ جغرافیایی به

مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در میان گروهی از مردم گفته می‌شود، مانند آداب و رسوم، باورها، زبان و رفتارهایی که در طول زمان در تأثیر جغرافیا قرار گرفته‌اند یا بر آن تأثیر گذاشته‌اند. روابط ژئوپلیتیکی کشورها و بازیگران سیاسی براساس ترکیب عناصر جغرافیا، قدرت و سیاست شکل می‌گیرد. «عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و سرشت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به دیگران تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بسترساز و سرچشمه قدرت را دارد و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگران را سبب می‌شود». الگوی روابط ژئوپلیتیکی، تعامل، رقابت، تقابل، نفوذ و همگرایی و واگرایی هستند (Hafeznia, 2016: 492-504). نظریه‌های مربوط با موازنه قدرت در اندیشه ژئوپلیتیک جای دارند (Dekmejian and Simonian, 2001: 6). روابط موازنه قدرت در ژئوپلیتیک برحسب موقعیت‌های الگوهای فضایی بوده و مرزها، محل اصلی نگرانی است (Black, 2015: 9). موازنه قدرت یکی از نظریه‌های کشمکش و درگیری است که مفهوم آن براساس شرایط بین‌المللی، معانی مختلفی مانند توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو یا چند قدرت متخاصم و برتری نیرو پیدا کرده است. نمودار زیر برای تحلیل این نوشتار ترسیم شده است.

شکل ۱: نمودار ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های تحلیلی آن



Source: Authors

در این نوشتار پس از بررسی پیشینه پژوهش و رویکرد نظری تأثیرهای این جنگ‌ها را بر منطقه قفقاز جنوبی از نظر شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی و موازنه قدرت جدید بررسی می‌کنیم. همچنین به‌طور مشخص راه‌گذر احتمالی زنگزور، راه‌گذر شمال‌جنوب، طرح یک کمربند و یک راه چین، پان‌ترک‌گرایی/پان‌آذری‌گرایی ارزیابی می‌کنیم. علاوه بر این موارد، چگونگی تشدید پویایی رقابت و تهدید و افزایش تنش بر ایران در منطقه مشخص شده است.

جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰

آغاز جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ دلایل زیادی داشت، مانند شکست میانجیگری گروه مینسک و روند صلح قره‌باغ، پیگیری سیاست تغییر وضع موجود توسط جمهوری آذربایجان، تقویت روابط منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری آذربایجان و تضعیف این روابط از سوی ارمنستان، تقویت قدرت اقتصادی و نظامی جمهوری آذربایجان و تأثیری که کشورهای چون روسیه، ترکیه و اسرائیل بر این موضوع داشتند (Askerov and Ibadoghlu, 2022: 250-260). در کنار دیگر عوامل، نقش روسیه مهم است. از آغاز دهه ۲۰۰۰ تغییری در سیاست‌های روسیه در برابر بحران قره‌باغ ایجاد شد. به این معنا که روسیه به حل آن علاقه‌مند شد، به این سه دلیل: نخست، سیاست همراهی^۱ جمهوری آذربایجان با روسیه که جمهوری آذربایجان به‌طور مداوم از ابتدای دهه ۲۰۰۰ دنبال کرده بود، اعتماد مسکو را به جمهوری آذربایجان افزایش داد. دوم، افزایش توانمندی‌های روسیه اهمیت درگیری را به‌عنوان یک منبع کاهش داد. سوم، تصمیم‌گیرندگان در کرملین به‌طور فزاینده‌ای این مناقشه را مانعی برای روابط نزدیک‌تر با جمهوری آذربایجان می‌دانستند (Abushov, 2019: 7). از این‌رو تغییر نگرش روسیه به قفقاز جنوبی از خارج نزدیک به‌عنوان یک حوزه نفوذ انحصاری روسیه به فضایی که در آن باید هم همکاری و هم با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای رقابت کند، شکل گرفته است. مسکو ترجیح می‌دهد با ایران و بیشتر ترکیه، برای پاسخ به چالش‌های فزاینده همکاری کند (Avdaliani, 2022: 74). این تغییر پیامدهای مهمی برای روند صلح ایجاد کرد؛ روسیه نقش مثبت‌تری در روند صلح نسبت به دهه ۱۹۹۰ داشت. از این‌رو سیاست روسیه در برابر بحران قره‌باغ دوسویه بوده است: از یک‌سو، از هرگونه توافق صلحی که یا به ابتکار طرف‌های درگیر یا خودش به‌دست می‌آید، حمایت می‌کند. از سوی دیگر، این توافق باید حضور نیروهای پاسدار صلح روسیه در قره‌باغ را در نظر بگیرد و صلح به‌دست‌آمده نهایی نبوده است، بلکه باید دستکاری شود (Abushov, 2019: 17-18).

به این ترتیب در فضای همکاری و رقابت ایجادشده توسط روسیه، جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ درگرفت. در نتیجه این جنگ و توافق‌نامه آتش‌بس، نیروهای جمهوری آذربایجان مناطق

1. bandwagoning

فضولی، قبادلی، زنگلان، جبرئیل، کلبجر، آغدام^۱ و لاپچین را پس گرفتند. بعد از این آتش‌بس بود که ایجاد راه‌گذر زنگزور برای اتصال جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان مطرح شد (Koberidze, 2022: 33). جنگ دوم قره‌باغ برتری نظامی جمهوری آذربایجان را نسبت به ارمنستان نشان داد؛ جمهوری آذربایجان برای شناسایی و حمله به مواضع جمهوری خودخوانده قره‌باغ (به بیان ارمنی‌ها آرتساخ) از پهپادها از جمله تجهیزات خریداری شده از ترکیه و اسرائیل بهره برد.

جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳

جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ برآمده از تحولات جنگ دوم قره‌باغ است. اجرای پیچیده آتش‌بس و تنش‌های تاریخی در میان آذربایجانی‌ها و ارمنی‌ها این معنی را تداعی می‌کند که احتمال خشونت پراکنده، دور از ذهن نخواهد بود (Feizollahi and Pourahmadi Meibodi, 2023: 78). به طوری که چندین بار در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز شاهد درگیری‌های پراکنده بود، اما مهم‌ترین آن در سال ۲۰۲۳ روی داد.

پس از محاصره ۹ ماهه منطقه قره‌باغ و مسدود شدن گذرگاه لاپچین توسط آذربایجانی‌ها، ارتش جمهوری آذربایجان سه‌شنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ با نیروهای مسلح ارمنه قره‌باغ درگیر شد. براساس آن درگیری وزارت دفاع جمهوری آذربایجان از آغاز «اقدام‌های محلی ضد تروریسم» برای بازگرداندن نظم قانون در منطقه قره‌باغ خبر داد. این جنگ با عنوان جنگ سوم قره‌باغ یا جنگ قره‌باغ ۲۰۲۳ فقط ۲۴ ساعت به طول انجامید، اما نبرد همان چیزی بود که جمهوری آذربایجان به دنبال آن بود؛ نیروهای دفاعی محلی ارمنه در قره‌باغ تسلیم شده و به مذاکرات در مورد یکپارچه‌سازی متعهد شدند. پنج روز بعد، باکو راه‌گذر لاپچین را که تنها جاده متصل‌کننده قره‌باغ به ارمنستان است باز کرد که به مدت بیش از ۹ ماه توسط جمهوری آذربایجان مسدود شده بود. این بازگشایی به ارمنه قره‌باغ اجازه داد به ارمنستان منتقل شوند. تسلیم سریع جدایی‌طلبان ارمنه قره‌باغ به دنبال جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ نشان‌دهنده ضعف آن‌ها در پی شکست نیروهای ارمنی در جنگ سال ۲۰۲۰ بود و ازدست‌دادن تنها جاده‌ای که منطقه قره‌باغ را به ارمنستان وصل می‌کرد. بعد از جنگ سوم قره‌باغ، ارمنه، منطقه قره‌باغ را بعد از حدود ۳۰ سال اشغال ترک کردند و جمهوری آذربایجان با بازپس گرفتن منطقه قره‌باغ توانست یکپارچگی سرزمینی خود را بازیابد.

نکته مهم در جنگ سوم قره‌باغ این بود که نه نیروهای حافظ صلح روسیه در منطقه قره‌باغ و نه دولت ارمنستان در این درگیری مداخله نکردند. شکل‌گیری منازعه در شرق اروپا در میان روسیه و اوکراین در کنار ضعف ارمنستان پس از جنگ دوم قره‌باغ، به نوعی خلأ قدرت در قفقاز جنوبی منجر شد (Karapetyan, 2023: 40). این عامل باکو را تشویق کرد برای افزایش

1. Ağdam

قدرت خود به دنبال بازپس‌گیری منطقه قره‌باغ برآید. به این ترتیب درگیر شدن روسیه به جنگ اوکراین به طور قابل توجهی توانایی‌های این کشور را در دیگر مناطق اصلی فضای پس از شوروی محدود کرده است. در قفقاز جنوبی، مسکو تمام تلاش خود را می‌کند تا وارد درگیری مستقیم با ترکیه و جمهوری آذربایجان نشود و داوری بی‌طرف در بحران ارمنستان و جمهوری آذربایجان باقی بماند. سیاست روسیه از نظر انرژی در جنوب قفقاز به جمهوری آذربایجان نزدیک می‌شود (Koolae and Hadipoor, 2020: 662) به طوری که روسیه برای کاهش آثار تحریم‌های غرب به جمهوری آذربایجان و بیشتر به ترکیه نیاز دارد؛ آنکارا به عموماً یک شریک تجاری اصلی برای مسکو و باکو در راه‌گذر شمال‌جنوب تأثیر می‌گذارد (Grigoryan, 2023). اما زمانی که پوتین به جنگ علیه اوکراین فکر می‌کرد، بیشتر به روابط خود با ترکیه و جمهوری آذربایجان اهمیت می‌داد تا ارمنستانی که از نظر اقتصادی فقیر و از نظر سیاسی، گرایش به غرب خود را آشکار کرده است. از این رو روسیه در جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ به جمهوری آذربایجان اجازه داد تا قره‌باغ کوهستانی را از وجود ارمنه‌ای که به حمایت مسکو متکی بودند، پاک‌سازی کند. روسیه به دنبال اخراج ارمنه از قره‌باغ بود تا از آن برای دامن‌زدن به تغییر رژیم در ارمنستان یا به عنوان تنبیهی برای زیر فشار قراردادن پاشینیان استفاده کند (Ostrovsky, 2023).

شکل ۲: مناطق آزادشده توسط جمهوری آذربایجان بعد از جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ



Source: Authors

نتایج جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در جنبه ملی سبب برعکس شدن جایگاه بازیگران جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در جنبه منطقه‌ای نیز روابط ژئوپلیتیکی و موازنه قدرت جدید در جنوب قفقاز پدیدار شد. تغییرهای ژئوپلیتیکی در نتیجه جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ در بردارنده تغییر در موازنه قدرت در بعد ملی در جابه‌جاشدن جایگاه بازنده و برنده در

قفقاز جنوبی بود. بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی، بازگشت حاکمیت بر جغرافیا و سرزمین توسط جمهوری آذربایجان و در برابر ازدست‌رفتن حاکمیت بر سرزمین‌های اشغالی برای ارمنستان را به همراه داشت. این عامل سبب تحدید مرزهای مشترک ارمنستان با ایران و بازیابی حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مرزهای خود با ایران شد.

سوم، جمهوری آذربایجان با ازمیان‌بردن جمهوری خودخوانده قره‌باغ به دنبال جنگ سوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۳ و بازپس‌گیری مناطق اشغالی خود از جمله منطقه قره‌باغ، ثبات داخلی و ملی را رقم زده و سبب تحکیم حکومت الهام علی‌اف شد. در طرف مقابل، آشفتگی داخلی و بی‌ثباتی را برای ارمنستان به همراه داشته و پاشینیان را با چالش‌های جدی در حکومت خود روبه‌رو کرد. چهارم، با بازگشت آرامنه از قره‌باغ به ارمنستان بعد از نزدیک به ۳۰ سال اشغال آن، جمهوری آذربایجان توانست آوارگان آذری جنگ اول قره‌باغ را اسکان دهد در حالی که این مسئله ارمنستان را دچار مشکل اسکان آرامنه در ارمنستان کرد. همچنین سبب شد جمعیت دیاسپورای ارمنستان افزایش یابد. پنجم و در بعد نظامی، جمهوری آذربایجان با شکست نیروی نظامی ارمنستان که با بازپس‌گیری قره‌باغ و اخراج تندروهای مسلح ارمنی از قره‌باغ همراه بود، توانست به قدرت نظامی برتر در بین سه کشور منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شود. ارمنستان قدرت نظامی انباشته‌شده در ۲۵ سال گذشته را از دست داد که در کوتاه‌مدت به‌طور کامل بهبود نخواهد یافت.

ششم، از جنبه اقتصادی جمهوری آذربایجان با دستیابی به قره‌باغ و مناطق اطراف آن که از نظر کشاورزی زمین‌های حاصلخیز و معادن و منابع طبیعی سرشار دارد به اقتصاد خود رونق بخشید. جمهوری آذربایجان توانست امنیت خطوط انتقال انرژی خود را حفظ کند و گسترش دهد. همچنین جمهوری آذربایجان به دنبال ایجاد راه‌گذر زنگزور برآمد که موهبت‌های بیشتری برای آن به همراه خواهد داشت از جمله اینکه شبکه حمل‌ونقل باکو را تقویت خواهد کرد. در حالی که در طرف مقابل آرامنه از این منافع محروم شده و از نظر اقتصادی دچار زیان شدند (Gawliczek and Iskandarov, 2023: 40). این موارد تغییر در موازنه قدرت میان دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان را نسبت به گذشته از جنگ دوم قره‌باغ نشان می‌دهد.

در مجموع تغییرهای ژئوپلیتیکی در بعد ملی در جهت منافع جمهوری آذربایجان شکل گرفته است به‌طوری که موازنه قدرت بعد از جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ نشان از برتری قدرت نسبی جمهوری آذربایجان در مقابل ارمنستان دارد. جمهوری آذربایجان با پیگیری سیاست احیای سرزمینی خود در جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ توانست برتری سیاسی و جغرافیایی به‌دست آورده و قدرت خود را افزایش دهد و در دل تغییرهای ژئوپلیتیکی شکل گرفته موازنه قدرت جدید را به سود خود رقم بزند. جمهوری آذربایجان همچنین ساخت سه فرودگاه در مناطق آزادشده را شروع کرد؛ فرودگاه فضولی در سال ۲۰۲۱ و فرودگاه

زنگلان در سال ۲۰۲۲ کامل شد. فرودگاه لاجین نیز در بهار ۲۰۲۴ تکمیل خواهد شد (Nakanishi, 2023: 33).

شکل ۳: موقعیت فرودگاه فضولی و زنگیلان در مناطق آزادشده و نزدیک مرزهای ایران



Source: iswnews, 2021

در بعد منطقه‌ای روابط ژئوپلیتیکی بازیگران در قفقاز جنوبی در فضای همکاری و رقابت موجود در پساجنگ‌های در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ موازنه قدرت در آن منطقه را دگرگون کرده است. با توجه به نمودار تحلیلی ترسیم‌شده، رابطه روسیه نسبت به واحدهای سیاسی قفقاز جنوبی را می‌توان براساس رابطه ژئوپلیتیکی سلطه‌محور در نظر گرفت. براساس نفوذ و حضور سایر بازیگران مانند ترکیه و اسرائیل بعد از جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و درگیری در شرق اروپا این رابطه سلطه‌محور روسیه نسبت به قفقاز جنوبی دچار چالش شده است. رابطه ژئوپلیتیکی رقابتی ناهم‌تراز میان روسیه و ترکیه در قفقاز جنوبی شکل گرفته است؛ دو کشور در زمینه‌هایی نیز رابطه همگرایی دارند. اسرائیل توانسته است رابطه خود را بر پایه نفوذ برای دستیابی به هدف‌هایی مانند منابع هیدروکربنی و سیاست آیین محیطی با جمهوری آذربایجان گسترش دهد. در کنار این موارد روابط واگرایی بین کشورهای ارمنستان با روسیه، ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان و همچنین روابط همگرایی گرجستان با ترکیه و ارمنستان با ایران شکل گرفته است.

اولین تغییر در موازنه قدرت تأثیرگذار بر منطقه قفقاز جنوبی، موفقیت روسیه در دور نگه‌داشتن محور غرب از این منطقه بود، هرچند پیش‌تر از این جنگ‌ها نیز محور غرب در جنوب قفقاز رو به ضعف بود. به‌علاوه روسیه نیروی نظامی حافظ صلح خود را در مرز میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌عنوان شمشیر داموکلس بر فراز ارمنستان و بیشتر جمهوری آذربایجان حفظ کرد (Askerov and Ibadoghlu, 2022: 263-264).

جنگ دوم و سوم قره‌باغ واقعاتی‌های ژئوپلیتیکی جدیدی را برای جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل ایجاد کرد. پیروزی جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳، محور باکو و آنکارا را تقویت کرد. این چنین نفوذ ترکیه در این منطقه افزایش یافت، به طوری که به ترکیه اجازه داد تا به دنبال منافع، سیاست اقتصادی و انرژی خود در منطقه دریای خزر و آسیای مرکزی باشد. حضور نظامی آنکارا در قره‌باغ و قدرت نظامی آن، وضعیت موازنه قدرت نظامی را در منطقه قفقاز جنوبی در برابر نیروهای مسکو برای باکو ایجاد کرد. ترکیه به عنوان یک دولت آونگی بعد از این جنگ‌ها و با کم‌رنگ‌شدن محور غربی در قفقاز جنوبی، موقعیت بین‌المللی خود را تقویت کرد و کارت بازی به دست آورد تا در این منطقه بتواند از آن در مقابل هدف‌های محور غرب استفاده کند. به علاوه اینکه گرجستان بیشتر به ترکیه در شرایط جدید نزدیک خواهد شد. مهم‌تر اینکه ترکیه با افزایش نفوذ و تقویت قدرت جمهوری آذربایجان که در جهت افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنکارا در منطقه است توانست قدرت مسلط روسیه در قفقاز جنوبی را با چالش روبه‌رو کند (Dadparvar and Azizi, 2020: 480-481).

اسرائیل به عنوان بازیگر غیرمنطقه‌ای توانست به دنبال جنگ دوم و سوم قره‌باغ نفوذ خود را در قفقاز جنوبی افزایش دهد. نقش اسرائیل در تحول‌های جنوب قفقاز را علاوه بر تأمین منافع ملی باید در جهت برون‌سپاری سیاست قفقازی ایالات متحد آمریکا به اسرائیل در نظر گرفت. حضور اسرائیل و گسترش نفوذ آن در جمهوری آذربایجان از نشانه‌های تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و مسئله‌ای چالش‌برانگیز در ایجاد روابط منطقه‌ای واحدهای سیاسی جنوب قفقاز شده است (Abbasov and Souleimanov, 2022: 145). جنگ دوم و سوم قره‌باغ سبب پررنگ‌شدن روابط منطقه‌ای براساس شکل‌گیری ابتکار ۳+۳ در قفقاز جنوبی شد. با توجه به هدف‌های قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه، ایران و ترکیه برای محدودکردن غرب در قفقاز جنوبی، ایده ۳+۳ می‌تواند موازنه قدرت در منطقه را نسبت به محور غربی تغییر دهد. اما تضاد منافع بازیگران ۳+۳ مانند تمایل نداشتن جمهوری آذربایجان برای یکپارچه‌کردن با ایران، تمایل نداشتن گرجستان و ارمنستان برای نزدیکی به روسیه، مشکلاتی که ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان دارد. مهم‌تر، حضور نداشتن گرجستان در نشست‌های این ابتکار که در عمل آن را به ۳+۳ منهای ۱ تبدیل کرده است، آینده این طرح را در ابهام قرار می‌دهد (Voskanyan, 2022: 159).

پیامدهای جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ برای منافع منطقه‌ای ایران

ایران به دنبال جنگ دوم قره‌باغ برای تأمین منافع خود سیاستی عمل‌گرایانه در پیش گرفت و آن را در دو بعد به اجرا گذاشت. ابتدا نمایندگان ولی‌فقیه در شمال غرب کشور همبستگی و حمایت خود از جمهوری آذربایجان در برابر ارمنستان را با تأکید بر «قره‌باغ خاک اسلام است» نشان دادند (Ghorbani and Reisinezhad, 2023: 206-207). بیانیه آن‌ها از یک سو هدف‌های

داخلی برای جلوگیری از بی‌ثباتی احتمالی قومی را در نظر داشت. از سوی دیگر، می‌خواست رویکرد ارتباط راهبردی ایران در برابر جمهوری آذربایجان را به‌وسیله روحانیت در مورد بر هویت اسلامی و آذربایجانی حفظ کند. مقام‌های نظامی در بیانیه‌های خود با قاطعیت هشدار دادند و بر امنیت ملی تأکید داشتند و گفتمانی علیه اسرائیل و ترکیه ایجاد کردند. آن‌ها تأکید کردند که ترکیه با کاربست نفوذ در شرایط جنگی سیاست توسعه‌طلبانه را دنبال می‌کند و اسرائیل به دنبال انجام فعالیت‌های ضدایرانی از سرزمین‌های بازپس‌گیری شده در امتداد مرز ایران است (Mammadli, 2023: 145-146).

ژئوپلیتیک

ایران و روسیه در قفقاز جنوبی بعد از جنگ‌های دوم و سوم قره‌باغ روندی از هم‌سویی تا تضاد منافع را تجربه کرده‌اند؛ ایران و روسیه که هر دو درگیر تحریم‌های غرب هستند در به‌حاشیه‌راندن نقش محور غرب، به‌ویژه ایالات متحد آمریکا و ناتو در منطقه قفقاز جنوبی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. دو کشور در حمایت از زنده‌کردن مسیر ریلی دوران اتحاد شوروی در قفقاز جنوبی و شناسایی نکردن حکومت خودخوانده قره‌باغ نیز دیدگاه یکسانی داشته‌اند. اما با توافق نامه آتش‌بس جنگ دوم قره‌باغ ایران از فرایند صلح قره‌باغ کنار گذاشته شد. علاوه بر این، براساس بند پنجم آتش‌بس، آنکارا خواستار تشکیل نیروهای حافظ صلح و همچنین ایجاد مرکز نظارت در آغدام شده بود، در حالی که نام ترکیه در این توافق‌نامه نیامده بود، آنکارا و مسکو تفاهم‌نامه‌ای را برای ایجاد مرکز مشترک روسیه و ترکیه برای نظارت بر آتش‌بس در قره‌باغ امضا کردند. موارد دیگری نیز وجود دارد که روسیه و ایران در برابر آن رویکرد مشابهی در جنوب قفقاز ندارند؛ روسیه برخلاف ایران با راه‌گذر زنگزور و حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در جمهوری آذربایجان مخالفت نکرده است. همچنین روسیه با برگزاری رزمایش فاتحان خیبر توسط ایران در مرز جمهوری آذربایجان نیز مخالف بود (Kaleji, 2023 (a)).

چون حکومت قره‌باغ همواره بعد از جنگ دوم قره‌باغ و تحولاتی بعد از آن، تضعیف شده است و بعد از این جنگ‌ها روابط ایران و ارمنستان بیش از پیش تقویت شد، برای ارمنستان، روابط با ایران موضوع بقا است، زیرا از دو طرف مسدود شده است. برای ایران نیز این کشور به پله‌ای برای نفوذ در جنوب قفقاز تبدیل شده است. اما نگرش غرب‌گرایی پاشینیان در ارمنستان می‌تواند این رابطه را دچار چالش کند. روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان پیش از جنگ دوم قره‌باغ سینوسی بود؛ از زمان آغاز جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ این رابطه همواره پرتنش پیش رفته است و در دوره‌های خاصی از زمان اوج‌گیری، تنش را هم تجربه کرده‌اند. بازیابی حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مناطق اشغالی به‌دنبال جنگ دوم قره‌باغ بر مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان افزایش یافت و روابط دو کشور در

تأثیر دیگر عوامل وارد مرحله جدیدی شد (Sapmaz, 2022: 29-30). ابتدا تنش بین دو کشور با کاربست عوارض و بررسی کامیون‌های ایرانی عبوری از مناطق تازه آزادشده قره‌باغ چون جاده گوریس و قاپان^۱ و دستگیری دو راننده ایرانی شدت گرفت. تهران، باکو را به اجازه حضور اسرائیل در خاک خود متهم کرد و به مقام‌های جمهوری آذربایجان در مورد تغییرهای احتمالی مرزی که ممکن است بر منافع ژئوپلیتیکی ایران تأثیر بگذارد هشدار داد (Syed and Others, 2022: 112). این شرایط پس از رزمایش «سه برادر ۲۰۲۱»^۲ در دریای خزر با مشارکت جمهوری آذربایجان، پاکستان و ترکیه تشدید شد. تهران برای نشان‌دادن آمادگی خود برای جلوگیری از تغییرهای نامطلوب ژئوپلیتیکی، رزمایش نظامی «فتح خیبر» را در شمال غرب کشور انجام داد. باکو با بی‌اساس خواندن ادعاهای ایران مبنی بر حضور نظامی اسرائیل در جمهوری آذربایجان برای رویارویی با رزمایش‌های نظامی ایران روابط نظامی خود با ترکیه را افزایش داده و رزمایش‌های نظامی را در امتداد مرز ایران برگزار کرد، علی‌اف گفت تمرین‌های نظامی برای نشان‌دادن به تهران ضروری است و «ما از آن‌ها نمی‌ترسیم» (Scolton, 2023).

روابط ایران و جمهوری آذربایجان همچنان پرتنش پیش می‌رفت. ایجاد کنسولگری ایران در قاپان ارمنستان، محکوم‌کردن جمهوری آذربایجان مبنی بر اجازه به اسرائیل برای فعالیت سامانه‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی اسرائیل در مرزهای ایران در کنار «دست‌نشانده اسرائیل» نامیدن جمهوری آذربایجان توسط ایران، برگزاری رزمایش نظامی و نشان‌دادن عبور از رود ارس توسط ایران، دستگیری افرادی در جمهوری آذربایجان به اتهام همکاری با ایران، حمله مسلحانه به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران و تعطیل و تخلیه کردن آن توسط جمهوری آذربایجان از مواردی هستند که روابط پرتنش این دو کشور را نشان می‌دهد. اوج این تنش‌ها در برگزاری رزمایش‌های نظامی و افزایش آمادگی نظامی دو کشور بوده است. اما دوطرف توانستند تنش‌ها را مدیریت کنند. آن‌ها یک قرارداد مبادله گازی امضا کردند که ایران گاز طبیعی ترکمنستان را دریافت کرده و مقدار معادل آن را به جمهوری آذربایجان تحویل خواهد داد. مقام‌های دو کشور، نشست و توافقات دیگری نیز داشته‌اند که به نظر می‌رسد در جهت همکاری به جای تنش گام برمی‌دارند؛ با وجود این تحول‌ها، بی‌اعتمادی بین دو همسایه همچنان عمیق است، به طوری که سفارت جمهوری آذربایجان در تهران فعال نشده است (Mammadli, 2023: 141).

گسترش روابط ترکیه و اسرائیل با جمهوری آذربایجان، افزایش نفوذ و حضور این دو کشور در قفقاز جنوبی رقابت و تهدید را بر منافع منطقه‌ای ایران پررنگ کردند. رویارویی ایدئولوژیک و تمدنی در میان ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و به‌ویژه در

1. Goris-Kapan Road
2. Three Brothers-2021

قفقاز جنوبی همواره وجود داشته است (Voskanyan, 2022: 155). نگرانی‌های تهران با این تصور تقویت می‌شود که اردوغان، با پیروزی اخیرش در انتخابات، در حال کاربست سیاست‌هایی است که نه تنها توسعه طلبانه، بلکه بیش از حد بلندپروازانه است. حضور و گسترش نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی که با ایجاد کشورهای جهان ترک نیز افزایش یافته است، برای ایران این موضوع فراتر از فقط منطقه قفقاز جنوبی است، زیرا قدرت گرفتن ترکیه در قفقاز جنوبی بر رقابت این دو کشور در مناطق دیگر نیز تأثیر خواهد گذاشت (Mammadli, 2023: 150). ایران که همواره در «تنهایی راهبردی» قرار داشته است (Reisinezhad, 2023: 275) این بار نیز خود را در مخالفت با جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای آنکارا در قفقاز جنوبی بدون حامی خارجی چون مسکو، تنها می‌بیند. همچنین تطبیق آشکار منافع روسیه با منافع ترکیه در قفقاز جنوبی رخ داده است. ایران به همکاری اقتصادی با ترکیه نیاز دارد؛ بنابراین درگیری مستقیم با آنکارا را غیرضروری می‌بیند. همچنین ترکیه توانسته است در قفقاز جنوبی کشورهای چون جمهوری آذربایجان، اسرائیل، پاکستان، گرجستان را از نظر نظامی به خود نزدیک کند، حال اینکه ترکیه عضو ناتو هم است. به‌ویژه اینکه جنگ سوم قره‌باغ موجب نزدیکی بیشتر روسیه با محور جمهوری آذربایجان و ترکیه در قفقاز جنوبی شده است که این موضوع در جهت منافع ایران نبوده و منافع منطقه‌ای آن را محدود می‌کند (Grigoryan, 2023).

اسرائیل براساس پیگیری آیین محیطی خود به دنبال ایجاد منطقه پیرامونی جدید در مرزهای ایران است (Ebrahimi and Osuli, 2023: 35). همکاری نظامی جمهوری آذربایجان و اسرائیل تهدیدی برای منافع حیاتی ایران به‌شمار می‌آید به‌ویژه زمانی که مذاکرات برای بازگرداندن توافق هسته‌ای ایران به بن‌بست رسید و مقام‌های اسرائیلی آشکارا احتمال حمله اسرائیل به سایت‌های هسته‌ای ایران را منتشر کردند. فعالیت اقتصادی متقابل اسرائیل و جمهوری آذربایجان نشان‌دهنده روابط در حال توسعه تجاری دو کشور بوده است. آزادسازی مناطق اشغالی در نزدیکی مرزهای ایران چون منطقه قره‌باغ، علاقه شرکت‌های اسرائیل را به ایجاد زیرساخت و همکاری با جمهوری آذربایجان در این سرزمین‌های حاصل‌خیز دوچندان کرده است (Coppolecchia, 2023). براساس اصل وابستگی متقابل، اسرائیل می‌خواهد روابط خود با جمهوری آذربایجان را گسترده‌تر از گذشته کند. در این زمینه، در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ به گفته اسرائیل کاتز^۱ وزیر انرژی اسرائیل، مجوز اکتشاف گاز در مدیترانه را به مدت ۳ سال و با امکان تمدید ۷ ساله به چند شرکت داده است که اسم شرکت آذربایجانی سوکار^۲ نیز در بین آنان دیده می‌شود (Freund, 2023).

1. Israel Katz
2. SOCAR

ژئواکونومیک

جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ و در ادامه جنگ در سال ۲۰۲۳ منافع ژئواکونومیک ایران در منطقه قفقاز جنوبی را در تأثیر قرار داد. از آن جمله می‌توان مواردی چون راه‌گذر احتمالی زنگزور، بال غربی راه‌گذر شمال‌جنوب و طرح یک کمر بند و یک راه چین را نام برد.

راه‌گذر احتمالی زنگزور

مهم‌ترین چالش ژئواکونومیکی بعد از جنگ دوم و سوم قره‌باغ برای ایران موضوع ایجاد راه‌گذر زنگزور بوده است. این راه‌گذر که به آرمان جدید ملی جمهوری آذربایجان تبدیل شده است، «حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و کالا در هر دو جهت»، جمهوری آذربایجان را به منطقه نخجوان متصل خواهد کرد. بازیگرانی مانند جمهوری آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، روسیه و حتی محور غرب (ایالات متحد و اتحادیه اروپا) خواستار ایجاد و عبور این راه‌گذر از خاک ارمنستان هستند. ترکیه جدی‌ترین پشتیبان این طرح است؛ اما در برابر، ایران این طرح را «راه‌گذر تورانی ناتو»^۱ نامیده و اصلی‌ترین مخالف آن به‌ویژه از مسیر ارمنستان است. زیرا منافع منطقه‌ای ایران را محدود می‌کند و تهران را در برابر محور باکو و آنکارا در موضع ضعف قرار می‌دهد، وابستگی ایران به جمهوری آذربایجان و ترکیه افزایش می‌یابد، ایران از مسیر ارمنستان به اروپا دسترسی خود را از دست می‌دهد و ارمنستان از مسیر ایران محروم می‌شود، ایران از حوزه نفوذ تاریخی، تمدنی و فرهنگی خود به حاشیه رانده می‌شود و ایران موقعیت راه ارتباطی بودن خود میان جمهوری آذربایجان، نخجوان و ترکیه را از دست خواهد داد که به‌عنوان اهرم نفوذی بر آن‌ها است (Gawliczek and Iskandarov, 2023: 40-41). در این زمینه ایران راه‌گذر ارس را جایگزینی برای راه‌گذر زنگزور مطرح کرده است.

این تهدیدهای ژئوپلیتیکی منافع اقتصادی ایران را با خطر روبه‌رو می‌کند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: جمهوری آذربایجان ۱۵ درصد از ۳۵۰ میلیون مترمکعب گاز ارسالی از راه ایران به نخجوان را به‌عنوان هزینه جابه‌جایی پرداخت می‌کند. با گشایش راه‌گذر جدید، ایران ممکن است این سود را از دست بدهد. اگر خط لوله گاز از جمهوری آذربایجان به ترکیه از مسیر راه‌گذر زنگزور ساخته شود، ایران دچار زیان درآمد گاز خواهد شد. ترکمنستان می‌تواند گاز خود را از راه جمهوری آذربایجان به اروپا برساند، اهمیت خط لوله ایران به ارمنستان نیز می‌تواند کاهش یابد (Gawliczek and Iskandarov, 2023: 39-41). راه‌گذر زنگزور می‌تواند با اتصال ترکیه به جمهوری آذربایجان عامل اتصال کشورهای ترک و آسیای مرکزی شود. این عامل ترکیه را در رقابت با ایران در منطقه قفقاز جنوبی تقویت می‌کند (Yavuz and Gunter, 2022: 289). راه‌گذر زنگزور به‌عنوان یک پدیده اقتصادی، نتیجه

1. NATO's Turani Corridor

روندهای ژئوپلیتیکی در جنگ دوم قره‌باغ است که می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی نیز در آینده به‌همراه داشته باشد.

شکل ۴: راه‌گذر زنگزور



Source: yazeco, 2022

تغییر مسیر راه‌گذر شمال جنوب

راه‌گذر شمال جنوب را تنها راه‌گذر منطقه‌ای و جهانی می‌توان نامید که ایران در آن حضور فعالی دارد و دچار انزوا در آن نشده است. با توجه به تنش روزافزون ایران و جمهوری آذربایجان، باکو در مسیر بال غربی راه‌گذر شمال جنوب که هند را از مسیر ایران و جمهوری آذربایجان به روسیه و شمال اروپا می‌رساند، مانع ایجاد کرد. به‌طوری که سبب افزایش هزینه و زمان برای تردد در آن شد. از این رو روسیه و ایران به این نتیجه رسیدند که به‌جای استفاده از مسیر بال غربی، بال شرقی و دریایی آن را فعال کنند. تا زمانی که تنش‌های باکو و تهران برقرار باشد، احتمال دارد این مسیر غیرفعال بماند. اما با کاهش تنش و رسیدن به یک نقطه مشترک، مسیر بال غربی دوباره فعال می‌شود و دو کشور می‌توانند در مناطقی از مسیر که ظرفیت کمی برای حمل‌ونقل کالا وجود دارد، چون گمرک آستارا-آستارا، سرمایه‌گذاری کنند (Kaleji, 2023 (b): 16-17).

طرح یک کمربند و یک راه چین

طرح یک کمربند و یک راه (اجتماعی با آینده مشترک) چین به رقابت ژئواکونومیک ترکیه و ایران در منطقه قفقاز جنوبی دامن‌زدن است. ترکیه در این زمینه می‌خواهد برتری ژئوپلیتیکی ایران را کم‌رنگ کند؛ طرح یک کمربند و یک راه در گذشته و با عنوان جاده ابریشم از سرزمین ایران می‌گذشت و شاخه شمالی آن با عبور از قفقاز جنوبی به ترکیه می‌رسید، اگر اکنون از سرزمین ایران عبور نکند برای ترکیه ایده‌آل خواهد بود. هرچند سیاست تنوع‌بخشیدن

و گسترش به کشورهای مختلف در این طرح، راه‌گذر کمربند و راه را روزی به ایران خواهد رساند، اما ترکیه تلاش می‌کند براساس سیاست «سیب سرخ»^۱ و همچنین در جهت «کمربند بایرام»^۲ با سرمایه‌گذاری که در بندر ترکمن‌باشی^۳ ترکمنستان انجام داده است، طرح یک کمربند و یک راه چین را از این بندر به بندر باکو در جمهوری آذربایجان وصل کند و از راه جمهوری آذربایجان به ترکیه متصل شود (Reisinezhad, 2021). از این دیدگاه نقش ترکیه در حمایت از ایجاد راه‌گذر زنگزور مهم است. اینچنین برتری ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای عبور این طرح از سرزمین ایران به قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان کم‌رنگ خواهد شد.

ژئوکالچر

در جنگ دوم و سوم قره‌باغ فعالیت پان‌آذری‌گرایی، پان‌ترک‌گرایی/پان‌آذری‌گرایی و همچنین تحریک‌های اسرائیل برای تحریک اقدام‌های تجزیه‌طلبانه در شمال غرب ایران پررنگ شد. در حالی که روابط نزدیک قومی، تاریخی و تمدنی در میان ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد. پان‌آذری‌گرایی به اتحاد جمهوری آذربایجان با استان‌های شمال غرب ایران برمی‌گردد که آن را آذربایجان جنوبی خوانده‌اند. پان‌آذری‌گرایی به دنبال ایجاد جمهوری آذربایجان بزرگ در منطقه است؛ این موضوع یکپارچگی سرزمینی ایران را نشانه گرفته است و در نظر دارد آن را تجزیه کند (Abbasov and Souleimanov, 2022: 140). نگرش دیگری که پان‌آذری‌گرایی آذربایجان را تقویت می‌کند، سیاست پان‌ترک‌گرایی ترکیه است. پان‌آذری‌گرایی را می‌توان زیر پان‌آذری‌گرایی/پان‌توران‌گرایی در نظر گرفت. ترکیه براساس سیاست سیب سرخ خود در نظر دارد، پان‌ترک‌گرایی را رواج دهد و به دنبال گسترش سرزمینی (Salehi Yeganeh, 2023: 62) «پیوسته‌سازی و تلاش برای تجزیه و پیوستن مناطق ترک‌نشین کشورهای همسایه» است (Koolae and Nezami, 2019: 463). از این رو پیروزی در جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ فرصت گسترش نفوذ فرهنگی ترکیه به قفقاز جنوبی و همچنین در میان طرفداران آن‌ها در شمال غرب ایران را داده است.

همچنین اسرائیل نیز بر آتش محور آنکارا و باکو دمیده و علیه ایران فعالیت‌های تجزیه‌طلبی خود را افزایش داده است که آن در کتاب‌ها و مقاله‌های برندا شفر^۴ نظریه‌پرداز صهیونیست پان‌ترک و مشاور شرکت نفتی سوکار جمهوری آذربایجان و همچنین فعالیت‌های جورج دیک^۵ سفیر اسرائیل در جمهوری آذربایجان دیده می‌شود. در مجموع اتحادی آشکار بین ترکیه و جمهوری آذربایجان از نظر ژئوکالچری شکل گرفته است که اسرائیل نیز از آن

1. Kizil Elma
2. Bayram Belt
3. Turkmenbashi
4. Brenda Shaffer
5. George Deek

حمایت می‌کند. در ایران این نگرانی وجود داشت که محور جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل به دنبال برپاکردن غوغا و جنبش استقلال‌طلبانه برای رسیدن به هدف‌های خود، تجزیه قومی در ایران تلاش می‌کنند (Nelli, 2021: 49). بنا بر نمودار تحلیلی ترسیم‌شده، جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، بازپس‌گیری منطقه قره‌باغ و کوچ آرامنه، شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی جدیدی را نشان می‌دهد که بر ایجاد موازنه قدرت در قفقاز جنوبی تأثیر گذاشته است.

بعد از این جنگ‌ها رابطه تهران و مسکو در منطقه قفقاز جنوبی از یک‌سو تعاملی و از سوی دیگر رقابتی بوده است. ایران و روسیه در سیاست منطقه‌گرایی خود در جنوب قفقاز علیه محور غرب، ایالات متحد آمریکا و ناتو، روابط تعاملی برقرار کرده‌اند. در حالی که در دیگر زمینه‌ها چون حضور نظامی در جنوب قفقاز و در ایجاد راه‌گذر زنگزور به نظر می‌رسد که در یک جهت قرار نگرفته و رابطه رقابتی داشته باشند. رابطه ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی را براساس رابطه ژئوپلیتیکی رقابتی می‌توان ارزیابی کرد. رقابت این دو کشور از نوع رقابت مداخله‌ای و رقابت اقتصادی است، زیرا تهران و آنکارا در منطقه قفقاز جنوبی منافع متعارض دارند. از این رو دو کشور در قفقاز جنوبی تشدید رقابت را رقم زده‌اند، ترکیه در آتش این رقابت برای دورزدن ایران از راه‌گذرهای منطقه‌ای و منافع اقتصادی منطقه‌ای دمیده است. همچنین در راستای هدف‌های ژئوکالچری (پان‌ترک‌گرایی / پان‌توران‌گرایی) ترکیه این ظرفیت وجود دارد که رابطه رقابتی تشدیدشده ترکیه با ایران به رابطه واگرایی تبدیل شود.

رابطه ایران با جمهوری آذربایجان پرتنش پیش رفته است؛ در دوره‌ای از زمان اوجگیری تنش و حتی بحرانی‌بودن روابط آن دو تجربه شده است، به طوری که تا مرز درگیری نیز کشیده شده است. به این ترتیب تهران و باکو همواره روابط واگرایی داشته و از همدیگر با وجود مؤلفه‌های مشترک قومی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی دور شده‌اند. البته روابط این دو کشور در وضعیت افزایش تنش باقی نمانده و اوجگیری تنش در حال مدیریت و بازگشت به شرایط عادی است. جنگ دوم و سوم قره‌باغ موجب همگرایی تهران و ایروان بیش از پیش شده است. این دو کشور در راستای منافع مشترکی که دارند از جمله اینکه ارمنستان به دنبال حفظ یکپارچگی سرزمینی خود از هرگونه تهدید احتمالی از سوی محور باکو، آنکارا و اورشلیم است به ایران نزدیک شده است. ایران نیز برای مقابله با هرگونه تغییرهای احتمالی ژئوپلیتیکی در منطقه با ارمنستان ارتباط نزدیکی برقرار کرده است. البته حفظ و گسترش ارتباط تهران با ایروان از چند جهت دیگر نیز می‌تواند منافع منطقه‌ای آن را در شرایط کنونی قفقاز جنوبی حفظ کند؛ از یک‌سو منجر به حضور ایران در روابط منطقه‌ای جنوب قفقاز خواهد شد و از سوی دیگر، ارمنستان به‌عنوان سپری در مقابل تهدیدهای ژئوکالچری پان‌ترک‌گرایی / پان‌آذری‌گرایی خواهد بود. همچنین همگرایی با ارمنستان به‌عنوان عامل موازنه‌گری در مقابل واگرایی جمهوری آذربایجان با ایران خواهد بود. اما گرایش ارمنستان به غرب در جهت منافع

منطقه‌ای ایران نخواهد بود. ایران تنها نکته مثبت خود در قفقاز جنوبی بعد از جنگ دوم و سوم قره‌باغ را در به‌حاشیه‌رفتن محور غرب و ایالات متحد آمریکا می‌دانست. به این ترتیب شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی بر موازنه قدرت قفقاز جنوبی تأثیر گذاشته است. هرچند روسیه به‌عنوان قدرت برتر منطقه باقی ماند؛ برتری مطلق آن توسط ترکیه، جمهوری آذربایجان و اسرائیل به‌چالش کشیده شد. برخلاف ترکیه، ایران از فضای رقابت در عین همکاری که در منطقه جنوب قفقاز ایجاد شده بود دور ماند.

نتیجه

جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ بار دیگر پویایی ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی را نشان داد. براساس نمودار تحلیلی ترسیم‌شده دیده می‌شود این جنگ‌ها تغییر چشمگیری در ایجاد روابط ژئوپلیتیکی بازیگران داشته و به شکل‌گیری موازنه قدرت جدید در منطقه منجر شده است. جمهوری آذربایجان آشکارا تقویت و ارمنستان تضعیف شده است. روسیه با آتش‌بس این جنگ توانست محور غرب را به حاشیه براند، اما با واردشدن به جنگ اوکراین و خلأ قدرت در منطقه، توسط ترکیه قدرت خود در جنوب قفقاز را در چالش دید. به این ترتیب جنگ دوم و سوم قره‌باغ امکان بازگشت دوباره ترکیه را به این منطقه فراهم کرد، نفوذ اسرائیل و قدرت جمهوری آذربایجان را تقویت کرد، ایران را از تحولات منطقه به حاشیه راند و تضعیف بیشتر نقش غرب، ایالات متحد آمریکا، اتحادیه اروپا و به‌ویژه گروه مینسک را در پی داشت.

بنابراین جنگ قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ سبب شد وضعیت شکننده نه جنگ و نه صلح که ایران طرفدار حفظ آن در قفقاز جنوبی بود از میان برود. در این جنگ‌ها، ایران نتوانست در تحول‌های منطقه، نقشی برای گسترش نفوذ و حضور داشته باشد؛ به‌طوری که در دوره‌های زمانی خاصی به افزایش تنش با جمهوری آذربایجان، تشدید رقابت با ترکیه و جدی‌شدن تهدید اسرائیل در کنار مرزهای ایران منجر شد. در موازنه قدرت جدیدی که در منطقه قفقاز جنوبی شکل گرفته است، ایران در قفقاز جنوبی نقش و جایگاه پایینی دارد. به‌نظر می‌رسد از یک‌سو توسط روسیه به‌حاشیه رانده شده است. از سوی دیگر، با توجه به نقش تحریم غرب در جلوگیری از بازیگری ایران در منطقه، ایران از کاربست نقش جدی و پیگیری منافع تاریخی و تمدنی خود در جنوب قفقاز بازمانده است. با توجه به این مطالب فرضیه نوشتار تأیید می‌شود.

در کنار این موارد، چالش منافع منطقه‌ای ایران در قفقاز جنوبی در قالب راه‌گذر احتمالی زنگزور، طرح یک کمر بند و یک راه، راه‌گذر شمال جنوب، پررنگ‌شدن تهدیدها بر پایه پان‌ترک‌گرایی/پان‌آذری‌گرایی و حضور اسرائیل در مناطق آزادشده منطقه قره‌باغ نزدیک مرزهای ایران جریان دارد. از این رو ایران با افزایش فعالیت و عمل‌گرایی خود به‌ویژه در قالب ۳+۳ و برگزاری رزمایش‌های نظامی تلاش کرده است از یکپارچگی سرزمینی خود حفاظت و

از تغییرهای ژئوپلیتیکی احتمالی منطقه جلوگیری کند، منافع ژئواکونومیکی خود در قفقاز جنوبی را از دست نداده و براساس تحریک‌های ژئوکالچری درگیر تحریک‌های قومی و بی‌ثباتی داخلی نشود.

References

- Abbasov, Namig and Emil Souleimanov (2022), "Azerbaijan, Israel, and Iran: An Unlikely Triangle Shaping the Northern Middle East", **Middle East Policy**, Vol. 29, No. 1, pp. 139-153, (doi:10.1111/mepo.12611).
- Abushov, Kavus (2019), "Russian Foreign Policy Towards the Nagorno Karabakh Conflict: Prudent Geopolitics, Incapacity or Identity?", **East European Politics**, Vol. 35, No. 1, pp. 72-92, (doi:10.1080/21599165.2019.1579711).
- Ahmadi Lafuraki, Behzad and Rouhollah Talebi Arani (2018), "A Reevaluation on Regional Studies' Models to Promote the Applied Fundamentals of Inter-Regional Security Relations' Patterns", **Political and International Approaches**, Vol. 10, No. 1, pp. 12-42, Available at: https://pijaj.sbu.ac.ir/article_99719.html?lang=en, (Accessed on: 8/9/2023), [in Persian].
- Askerov, Ali and Gubad Ibadoghlu (2022), "The Causes and Consequences of the Second Karabakh War", **In the Nagorno-Karabakh Conflict** (pp. 245-271), Routledge, (doi:10.4324/9781003261209-15).
- Avdaliani, Emil (2022), "**New World Order and Small Regions: The Case of South Caucasus**", Springer Nature, (doi:10.1007/978-981-19-4037-8).
- Baru, Sanjaya (2012), Geo-economics and Strategy, **Survival**, Vol. 54, No. 3, pp. 47-58, (doi:10.1080/00396338.2012.690978).
- Black, Jeremy (2015), "**Geopolitics and the Quest for Dominance**", Indiana University Press.
- Blackwill, Robert and Jennifer Harris (2016), "**War by other means: Geoeconomics and Statecraft**", Harvard University Press, (doi: 10.4159/9780674545960).
- Coppolecchia, Sara (2023), "Beyondborders: the Israel-Azerbaijan Understanding Between Containment and Cooperation", Available at: <https://iari.site/2023/10/18/beyond-borders-the-israel-azerbaijan-understanding-between-containment-and-cooperation/> (Accessed on: 18/10/2023).
- Dadparvar, Shabnam and Saeed Azizi (2020), "Exploring Turkey's Strategic Goals in Caucasus Region During the 2020 Nagorno-Karabakh Crisis", **International Relations**, Vol. 8, No. 11, pp. 475-482, (doi: 10.17265/2328-2134/2020.11.002).
- Dekmejian, Hrair and Hovann Simonian (2001), "**Troubled Waters. The Geopolitics of the Caspian Region**", London: IB Tauris.
- Ebrahimi, Morteza and Ghasem Osuli (2023), "The Typology of Relations between Israel and the Republic of Azerbaijan: Strategic or Tactical", **Central Eurasia Studies**, Vol. 15, No. 2, pp. 23-48, (doi: 10.22059/jcep.2023.347626.450096), [in Persian].

- Ezzati, Ezzatollah and Hadi Veicy (2006), "Analysis of the Geopolitics and Geo-Economy of Iran – India Gas Pipeline", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 2, No. 4, pp. 27-45, (doi: 20.1001.1.17354331.1385.2.4.2.4), [in Persian].
- Feizollahi, Mahdi and Hosein Pourahmadi Meibodi (2023), "The Zero-Sum Game in South Caucasus; Emphasizing the Karabakh War 2020", **Central Asia and The Caucasus Journal**, Vol. 29, No. 123, pp. 67-92, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_709948.html?lang=en, [in Persian].
- Freund, Josephine (2023), "SOCAR and BP Place Bid to Explore Israeli Hydrocarbons", Available at: <https://www.caspianpolicy.org/research/energy-and-economy-program-eep/socar-and-bp-place-bid-to-explore-israeli-hydrocarbons>, (Accessed on: 24/7/2023).
- Gawliczek, Piotr Khayal and Iskandarov (2023), "The Zangezur Corridor as Part of the Global Transport Route (against the Backdrop of Power Games in the South Caucasus Region)", **Security and Defence Quarterly**, Vol. 41, No. 1, pp. 36-53, (doi: 10.35467/sdq/161993).
- Ghasemi, Farhad (2016), "**Principles of International Relations**", Tehran: Nashramizan, [in Persian].
- Ghorbani, Mehdi and Arash Reisinezhad (2023), "Iran's Foreign Policy in the Second Karabakh War: Factors and Approach", **World Politics**, Vol. 12, No. 1, pp. 199-234, (doi: 10.22124/wp.2023.23398.3111), [in Persian].
- Grigoryan, Tigran (2023), The War in Ukraine and the Armenian-Azerbaijani Conflict: The West Needs to Re-evaluate Its Approach, Available at: <https://www.boell.de/en/2023/01/27/war-ukraine-and-armenian-azerbaijani-conflict-west-needs-re-evaluate-its-approach> (Accessed on: 27/1/2023).
- Hafeznia, Mohammad Reza (2016), "**Geopolitical Principles and Concepts**", Mashhad: Papeli Pub, [in Persian].
- Hayrapetyan, Lilit (2022), "The Nagorno-Karabakh War of 2020 and the Change of the Regional Status Quo". **Przegląd Politologiczny**, No. 1, pp. 83-97, (doi: 10.14746/pp.2022.27.1.6).
- Kaleji, Vali (2023) (a), Russia and Iran Diverge in the South Caucasus, Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13758russia-and-iran-diverge-in-the-south-caucasus.html>, (Accessed on: 15/6/2023).
- Kaleji, Vali (2023) (b), Iran and the Role of Transit Corridors in the South Caucasus in the Context of the War against Ukraine. **Caucasus Analytical Digest**, No. 132, pp. 14–20, doi: 10.3929/ethz-b-000613995).
- Karapetyan, Roman (2023), "South Caucasus in the Phase of Russian-Ukrainian War: New Security Challenges and Possible Scenarios for Development", **Journal of Political Science: Bulletin of Yerevan University**, Vol. 2, No. 6, pp. 32-46, (doi:10.46991/JOPS/2023.2.6.032).
- Koberidze, Giorgi (2022), "Local and Regional Outcomes of the 2020 Nagorno Karabakh War", **Journal of Politics and Democratization**, Vol. 5, No. 2, pp. 27-38, Available at: <https://jpd.gipa.ge/index.php/jpd/article/view/6877>, (Accessed on: 16/9/2023).

- Koolae, Elaheh and Maryam Nezami (2019), "Pan-Turkism, Construction of Identity and the Formation of the Republic of Azerbaijan (1890-1920)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 12, No. 2, pp.459-478, (doi: 10.22059/jcep.2019.117370.449567), [in Persian].
- Koolae, Elaheh and Meysam Hadipoor (2020), "Analysis of Russian Foreign Policy in the South Caucasus Based on Gene-geopolitics", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 2, pp. 645-664,) doi: 10.22059/jcep.2020.204960.449646), [in Persian].
- Mammadli, Rovshan (2023), "Iran and the Second Karabakh War", **The Muslim World**, Vol. 113, No. 1-2, pp. 140-155, (doi:10.1111/muwo.12453).
- Nakanishi, Hisae (2023), "Impacts of the Second Karabakh War on the South Caucasus Region: Iran-Azerbaijan Relations". **Global Resource Management**, Vol. 9, pp. 26-38, (doi: 10.14988/00029521).
- Nelli, Minasyan (2021), "Pan-Turkism Manifestations of Turkey-Azerbaijan Military-Political Cooperation", **Scientific Artsakh**, Vol. 4, No.11, pp. 44-53, (doi:10.52063/25792652-2021.4-44).
- Ostrovsky, Arkady (2023), "How the War in Ukraine is Changing the Caucasus", Available at: <https://www.economist.com/the-world-ahead/2023/11/13/how-the-war-in-ukraine-is-changing-the-caucasus>, (Accessed on: 13/11/2023).
- Reisinezhad, Arash (2021), "**Iran and the New Silk Road: From the Geopolitics to the Diplomacy of the Road**", University of Tehran, [in Persian].
- Reisinezhad, Arash (2023), "Iran's Strategic Loneliness and Non-State Foreign Policy: From Curse of Geography to Geopolitical Predicament", **Geopolitics Quarterly**, Vol. 19, No. 69, pp. 269-306, (dor: 20.1001.1.17354331.1402.19.69.10.1), [in Persian].
- Salehi Yeganeh, Mehrdad (2023), "Pan Turkism and Baku-Ankara Strategic Alliance", **Central Asia and The Caucasus Journal**, Vol. 29, No. 121, pp. 55-78, Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_706614.html?lang=en, (Accessed on: 12/10/2023), [in Persian].
- Sapmaz, Ahmet (2022), "Iran's Foreign Policy Towards Azerbaijan: The Decisiveness of the Second Karabakh War", **SDE Akademi Dergisi**, Vol. 2, No. 4, pp. 12-43, Available at: <https://dergipark.org.tr/en/pub/sde/issue/68387/1033016>, (Accessed on: 16/10/2023).
- Scollon, Michael (2023), "Iran's Relations with Azerbaijan Get Heated over Attacks, Baku's Ties to Israel", Available at: <https://www.eurasiareview.com/09062023-irans-relations-with-azerbaijan-get-heated-over-attacks-bakus-ties-to-israel-analysis/>, (Accessed on: 8/6/2023).
- Syed, Karim Haider and Imran Khan (2022), "Azerbaijan-Iran Tension: Implications for Pakistan", **Pakistan Social Sciences Review**, Vol. 6, No.1, pp.109-122, (doi:10.35484/pssr.2022 (6-I)09).

- Voskanyan, Harutyun (2022), "Armenia in a Triangle of Great Power Management: Regional Competition on the Nagorno-Karabakh Conflict", **Przegląd Europejski**, No. 1, pp. 145-160, (doi:10.31338/1641-2478pe.1.22.10).
- Yavuz, Hakan and Michael Gunter (2022), "**The Karabakh Conflict between Armenia and Azerbaijan: Causes & Consequences**", Springer Nature, (doi: 10.1007/978-3-031-16262-6).